*The Quarterly Journal*
*Motaleate Tablighe Dini*
*Vol.1/issu.2/ Autumn 2023*

# Allamah Misbah Yazdi's Methodology in Facing Doubts

**Abdullah Mohammadi**[1]

Recived Date: 2023/09/17 Accepted Date: 2023/06/10

Allamah Misbah Yazdi was the spearhead of confronting doubts both before and after the Islamic revolution. Many of these doubts have entered the cultural atmosphere of the country from the field of humanities, so he paid serious attention to these sciences. He is one of the thinkers who had a scholarly approach and far from extremes when dealing with imported thoughts and doubts. His encounter with imported doubts and thoughts is based on a specific pattern. This pattern can be explained in two areas: scientific principles and moral principles. In this article, which is organized by library method (in information collection procedure) and descriptive analytical method (in data analysis), the scientific and ethical principles of this method have been examined and introduced. The findings of this research show that emphasizing the main issues and avoiding minor ones, studying humanities and doubts as a coherent whole, presenting a positive and productive attitude, accurately describing the point of contention in intellectual disputes, paying attention to the relationship between opinion and action, the genealogical approach to materialistic thoughts and the distinction between motivation and inspiration are his most important "scientific principles" in answering doubts. Also, avoiding prejudice, respecting scientific fairness and humility, speaking softly and not being afraid of criticizing the opponents are among his "moral principles."

**Keywords:** Allamah Misbah Yazdi, Methodology, Doubts, Systematic approach, Ethics of criticism.

1–Assistant Professor of the Department of Practical Ethics of the Iranian Institute of Philosophy, mohammadi@irip.ac.ir.

فصلية علمية محكمة
مطالعات تبليغ دينى
سنة الأول، العدد ٢، الخريف ١۴۴۵هـ

# منهجية العلامة المصباح اليزدى فى مواجهة الشبهات

عبدالله محمدى[1]

الإستلام: ١۴۴۴/١١/١٢ القبول: ١۴۴۵/٠٣/٠١

كان العلامة المصباح اليزدى قبل الثورة الإسلامية وبعدها من طلائع مواجهة الشبهات. لقد دخل الكثير من هذه الشبهات إلى الأجواء الثقافية للبلاد عبر العلوم الإنسانية، فأولى العلامة اهتمامًا جادًا بهذه العلوم. إن العلامة من المفكرين الذين اتخذوا نهجا علميا بعيدا عن الإفراط والتفريط فى مواجهة الأفكار والشبهات المستوردة. إن تصديه للشبهات والأفكار المستوردة قائم على نموذج معين. يمكن تفسير هذا النمط فى مجالين: المبادئ العلمية والمبادئ الأخلاقية. فى هذا البحث الذى تم تنظيمه من خلال دراسةمكتبية (فى جمع البيانات) والطريقة الوصفية والتحليلية (فى تحليل البيانات)؛ تم استخراج و تقديم المبادئ العلمية والأخلاقية لهذا المنهج. تظهر نتائج هذا البحث أن من أهم المبادئ العلمية للعلامة فى الإجابة عن الشبهات هى التأكيد على القضايا الرئيسة وتجنّب الموضوعات الثانوية، ودراسة العلوم الإنسانية والشبهات ككل متماسك، وتقديم موقف إيجابى ومنتج، وطرح نقطة الخلاف فى النزاعات الفكرية بشكل دقيق، والاهتمام بالعلاقة بين الرأى والعمل معا، الرؤية الانتسابية فى التفكير المادى والتمييز بين الحافز والمحفوز. كما أن من مبادئه الأخلاقية هو تجنّب الانحياز، ومراعاة الانصاف والتواضع العلمى، والتحدّث بلين وعدم الخوف من لوم المخالفين.

**الكلمات المفتاحية:** العلامة المصباح اليزدى، المنهجية ، الشبهات، الرؤية المنهجية ، أخلاق النقد.

١. أستاذ مساعد فى فرع الحكمة العملية لمؤسسة "الحكمة والفسلفة الإيرانية" البحثية،
mohammadi@irip.ac.ir.

فصلنامه علمی ـ تخصصی
مطالعات تبلیغ دینی
سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۲

# روش‌شناسی علامه مصباح یزدی در مواجهه با شبهات

عبدالله محمدی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

## چکیده

علامه مصباح یزدی پیش و پس از انقلاب اسلامی پرچمدار مقابله با شبهات بود. بسیاری از این شبهات از ناحیه علوم انسانی وارد فضای فرهنگی کشور شده است؛ لذا ایشان اعتنای جدی به این علوم داشتند. ایشان از متفکرانی‌اند که در رویارویی با افکار وارداتی و شبهات، رویکردی عالمانه و به دور از افراط و تفریط دارند. مواجهه او با شبهات و افکار وارداتی مبتنی بر الگویی خاص است. این الگو را می‌توان در دو ساحت اصول علمی و اصول اخلاقی تبیین کرد. در این مقاله که با روش کتابخانه‌ای ـ در جمع آوری اطلاعات ـ و روش توصیفی ـ تحلیلی ـ در تحلیل داده ها ـ سامان یافته است، اصول علمی و اخلاقی این روش اصطیاد و معرفی شده است. یافته های این پژوهش نشان می‌دهد تأکید بر موضوعات اصلی و پرهیز از مسائل فرعی، مطالعه علوم انسانی و شبهات به مثابه یک کل منسجم، ارائه نگرش ایجابی و مولّد، تقریر دقیق محل نزاع در مناقشات فکری، توجه توأمان به رابطه نظر و عمل، نگرش تبارشناختی به تفکرات مادی و تفکیک میان انگیزه و انگیخته از مهم ترین اصول علمی ایشان در پاسخ‌گویی به شبهات است. همچنین پرهیز از تعصب، رعایت انصاف و تواضع علمی، بیان نرم و نهراسیدن از سرزنش مخالفان از اصول اخلاقی ایشان به شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** علامه مصباح یزدی، روش‌شناسی، شبهات، نگرش نظام وار، اخلاق نقد.

۱. استادیار گروه حکمت عملی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، mohammadi@irip.ac.ir.

## مقدمه

جهان اسلام و از جمله عرصه فکری و فرهنگی ایران، در دو سده اخیر با موجی از تفکرات غربی مواجه بوده است. این تفکرات در قالب علوم انسانی و مباحث معرفتی دوران مدرن به سمت جهان اسلام منتقل شده است. این انتقال همزمان با آشنایی مسلمانان با دستاوردهای صنعتی و فناورانه غرب نیز بود و به همین دلیل اقبال شماری از متفکران را برانگیخت. با وجود برخی امتیازات، شبهات فکری و معرفتی فراوانی از دل این مباحث به فضای فرهنگی کشورهای اسلامی از جمله ایران راه یافت. نوع برخورد اندیشمندان مسلمان با این شبهات یکسان نبوده و نیست. طی این سال‌ها برخی با انگیزه نجات جامعه اسلامی از عقب‌ماندگی، پذیرش صددرصد این دیدگاه‌ها را توصیه می‌کنند و گروهی دیگر که این افکار را در تقابل با نظام وحیانی یافته بودند، بر نفی و انکار این آرا پای می‌فشارند.

علامه مصباح یزدی که چندین دهه مرزبان اعتقادات اسلام در برابر شبهات بود، ریشه بسیاری از این شبهات را در علوم انسانی یافت و بر همین اساس بخش مهمی از عمر خویش را به تحلیل و نقد این علوم اختصاص داد. ایشان از معدود شخصیت‌های حوزوی است که با وجود حساسیت نسبت به صیانت از اسلام ناب، علوم انسانی و تفکرات غربی را جدی گرفت، زوایای آن را به درستی شناخت، میان شبهات فکری و نقاط مثبت افکار وارداتی تفکیک کرد و توانست با برخورد منطقی و غیر احساسی، استدلال متقن و غیر شعاری و رویکرد منصفانه و ایمن از تعصب، نقاط ضعف و قوت این علوم را تبیین کند. بخش مهمی از فعالیت‌های ایشان را بررسی انتقادی مبانی تفکر غربی و پاسخ‌گویی به شبهات در این حوزه در بر می‌گیرد. ایشان رد پای مبانی فکری را در نظریات پیگیری و ارتباط میان بنا و مبنا را در یک منظومه منسجم دنبال می‌کند.

وی که به دفاع صریح از اسلام ناب شهره بود و به ابزار حکمت اسلامی مجهز و به اخلاق نقد علمی آراسته بود، روشی خاص در مواجهه با شبهات و نظریات علوم انسانی غربی داشت. رهاورد این روش، علاوه بر تولید آثار مختلف، ایجاد گفتمان و تربیت نسلی بود که در تشخیص نقاط ضعف و قوت علوم انسانی و نظریات غربی توان‌مندند. بسیاری از مباحث به‌ظاهر نظری ایشان نیز درحقیقت نقد غیر مستقیم شبهات یا ارائه مبنایی ایجابی در برابر شبهات است. تجربه چند دهه حضور ایشان در عرصه‌های مختلف تبلیغی اعم از تبلیغ عمومی و نخبگانی و نیز ابتکار عمل ایشان در شیوه مواجهه با شبهات ظرفیت مطالعه جدی در این حوزه را ایجاد کرده است. صرف نظر از محتوای فاخر ایشان در پاسخ‌گویی به شبهات، روش‌شناسی خلاقانه وی در تحلیل شبهات

کم‌نظیر است. در این نوشتار تلاش می‌کنیم با بررسی انواع تحلیل‌های علامـه مصـباح، مهـم‌تـرین اصول روش‌شناختی ایشان در رویارویی با شبهات و پاسخ‌گویی به آنها را از آثار وی اصطیاد کنیم.

در یک نگرش کلی می‌توان مباحث مرتبط با روش‌شناسی ایشان را در دو دسته اصـول علمـی و اصول اخلاقی تقسیم کرد. منظور از اصول علمی، قواعد نظری است که علامه مصـباح در فهـم یـا نقد دیدگاه دیگران مورد توجه قرار داده است. منظور از اصول اخلاقی ضوابطی اخلاقـی اسـت کـه هنگام مواجهه با شبهات و افکار مخالف مورد رعایت ایشان بوده است. بخش نخست مقاله مهم‌ترین اصول علمی را بررسی کرده، بخش دوم مقاله به شماری از اصول اخلاقی ایشان در نقـد آرای مخالف و تحلیل شبهات اختصاص دارد. همان گونه که عنـوان مقالـه گویاسـت، مقصـود اصـلی، معرفی روش استاد مصباح در رویارویی با شبهات است. ورود محتوایی و تفصیلی بـه هـر کـدام از مباحث تخصصی نیازمند تحقیقاتی مستقل است. چهـارچوب نظـری و پـیش‌فـرض‌هـای علامـه مصباح مبتنی بر اصول فلسفی است که از حکمت اسلامی به دست آمده و با تـراث وحیـانی تأییـد شده است. روشن است که فهرست تمام مبانی و پـیش‌فـرض‌هـای ایشـان در ایـن مقدمـه ممکـن نیست؛ لکن برخی از این اصول مهم عبارت‌اند از: واقع‌گرایی در معرفت‌شناسی، هسـتی‌شناسـی و فلسفه اخلاق؛ نفی نسبیت عام معرفت‌شناختی و اخلاقی؛ تجرد انسان؛ معادباوری و... .

شماری از محققان برخی زوایای روش‌شناسی آیت‌الله مصباح یزدی را واکاوی کـرده‌انـد. بـرای نمونه آقایان احمدحسین شریفی و محمدعلی محیطی اردکانی در مقاله «روش‌شناسی آیت‌الله مصباح یزدی در پاسخ به شبهات اعتقادی» (نشریه عیار پژوهش در علوم انسـانی، ش۱۸، زمسـتان ۱۳۹۷) بـر حوزه شبهات اعتقادی تکیه کرده، به‌ویژه در مسئله شبهات مرتبط با حقـوق زن، ایـن روش را نشـان دادند. این مسئله در آثار غیر مکتوب نیز مورد توجه محققان بوده است؛ برای مثال استاد پارسانیا در نشستی که در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ در مجمع عالی حکمت اسـلامی برگـزار شـد، برخـی ابعـاد روش‌شناختی علامه مصباح یزدی را به‌اختصار بیان کردند. لکن هیچ یک از آثار فوق، نگاهی جامع از ابعاد روشی مواجهه ایشان با شبهات فکری و علوم انسانی ارائه نکردند.

## الف) اصول علمی

اصول علمی که در روش‌شناسی علامه مصباح مد نظر است، خود به دو دسته قواعد محتوایی و قواعد شکلی تقسیم می‌شود:

## ۱. قواعد محتوایی

### ۱-۱. تأکید بر مسائل اصلی و پرهیز از مسائل فرعی

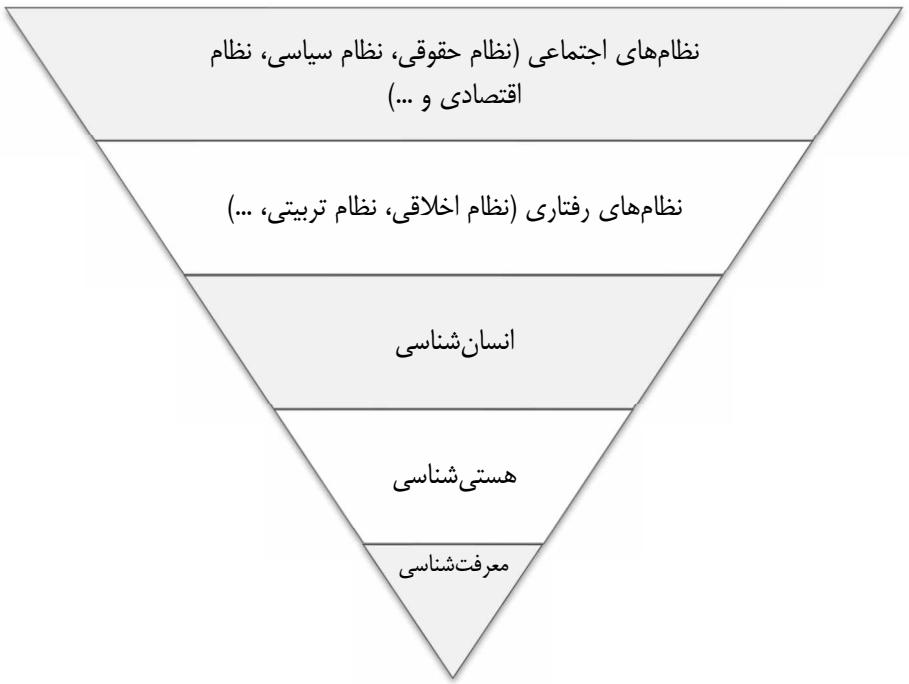
آنچه به عنوان علوم انسانی در محافل نخبگـانی جهـان اسـلام و کشـور ایـران راه یافتـه اسـت، ترکیبی از نظریات و مبانی گوناگونی است که طی چهارصد سال اخیر در غرب تولیـد شـده اسـت. این دیدگاه‌ها وابسته به دوره‌های مختلف، مکاتب گوناگون و رویکردهای متنوع علـوم انسـانی بـوده است. صدها اندیشمند طی این قرون دیدگاه‌های مختلفی مطرح کردند کـه مجموعـه‌ای از مسـائل اصلی و مسائل فرعی و پیرامونی را تشکیل می‌دهند. بـر همـین اسـاس مـی‌تـوان گفـت تمـام آرا و نظـرات علـوم انسـانی اهمیـت یکسـانی ندارنـد. شـماری از نظریـات اهمیتـی ویـژه و اثرگـذاری ماندگارتری دارند و برخی مسائل دیگر اهمیتی کمتر و عمری کوتاه‌تر؛ اگرچه ممکن است دسـته‌ای از مسائل غیر مهم بر اثر حمایت جریان‌های فکری خاص یا هیـاهوی رسـانه‌ای برجسـته شـده، در مقاطعی از زمان، فضای فکری نخبگانی را به خود مشغول می‌سازند.

با توجه به این تفاوت لازم است میزان اهمیت مسائل و نظریات علـوم انسـانی شناسـایی، و بـا توجه به این میزان اهمیت، تمرکز ایجابی و سلبی بر آنها درجه‌بنـدی شـود. تأکیـد غیرضـروری بـر مسائل کم‌اهمیت از سویی سبب هدردادن زمان و فکر محققان است و از سوی دیگر سبب غفلـت از مسائل مهم‌تری است که در نظام فکری و رفتاری جامعه تأثیرگذارترند. این رویکرد هم نگـرش‌های ایجابی و هم نگرش‌های سلبی را در بر می‌گیرد.

آیت‌الله مصباح یزدی با توجه به همین دغدغه، مسائل مختلف علوم انسانی را رتبه‌بنـدی و نـوع مواجهه خود با آنها را بر همین معیار مبتنی می‌کرد. بسیاری از نظریـات غربـی آگاهانـه از تیـررس توجه ایشان خارج و در برابر، برخی از مسائل بارها مورد نقد و گفت‌وگـو قـرار مـی‌گرفـت. ایشـان فلسفه یک علم را مقدم بر مسائل آن می‌دانستند؛ مثلاً فلسفه آموزش و پرورش را مقدم بر مسائل آن می‌انگاشتند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص۴۵)؛ همچنین جایگاه مباحث فلسفی علوم انسـانی و نیـز مبانی نظام‌های اجتماعی را مهم‌تر از دیگر مسائل دانسته، اهتمام جدی‌تری به آن داشـتند. مباحـث فلسفی علوم انسانی اعم از نظریات معرفت‌شـناختی، هسـتی‌شـناختی و مباحـث فلسـفی انسـان‌شناختی در تدوین مبانی نظام‌های رفتاری مانند تربیت و اخـلاق ایـن مباحـث نـه‌تنهـا در اندیشـه علامه مصباح یا مکتب فکری اسلام بلکه در تمام نظام‌های فکری به منزله بنیادهای اصـلی قلمـداد می‌شوند؛ بنابراین سرمایه‌گذاری بیشتر بر آنها اولویت می‌یابد. نتایج این مسیر، نظام‌های اجتماعی

مانند نظام سیاسی، نظام حقوقی، نظام اجتماعی و... را ترسیم می‌کند. با توجه به همین نکته می‌توان گفت نظریات تولیدشده در نظام‌های اجتماعی برخاسته از مبانی نظام‌های رفتاری و آنها نیز مبتنی بر تعریف انسان، سعادت، هدف خلقت انسان و... هستند. حل این مباحث نیز مبتنی بر تحلیل ابتدا و انتهای وجود انسان، مبدأ و معاد جهان، وجود یا عدم خداوند، هدف‌مندی خلقت و... است. تمام مباحث یادشده نیز وابسته به اتخاذ موضع در نظام معرفت‌شناسی‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۳۸-۴۰).

نمودار




آیت‌الله مصباح با توجه به همین اصل، در مواجهه با نظریات علوم انسانی ابتدا سهم مبانی را از نظریات متمایز و در مبانی نیز به همین ترتیب یادشده بر مبانی فلسفی تأکید بیشتری می‌کردند. در مبانی فلسفی نیز مباحث معرفت‌شناختی را بنیادی‌ترین مباحث مکاتب مختلف دانسته، بر آن اهتمامی ویژه داشتند؛ چراکه تا مسائل معرفت‌شناسی حل نشود، درباره هیچ کدام از دیگر مبانی نمی‌توان سخن گفت (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج۱، ص۱۳۲). این توجه در دو ساحت سلبی و پاسخ به شبهات و ساحت ایجابی و معرفی دیدگاه اصیل اسلامی دنبال شد. ایشان از نخستین افرادی بودند که به دنبال علامه طباطبایی معرفت‌شناسی را به شکل یک علم نظام‌مند ارائه کردند و کاربست آن را

در علوم انسانی مختلف امتداد دادند؛ برای نمونه تأثیر بنیادهای معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی را در نظام سیاسی اسلام یا فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی تبیین می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ب، ص۴۲-۴۶)

ایشان در مواجهه با نظام‌ها نیز اولویت‌بندی یادشده را مد نظر داشتند. بر همین اساس توجه ایشان بر مبانی و نظریات نظام اخلاق بیش از نظام اقتصاد بود؛ چراکه مسائل نظام اخلاق در دیگر نظام‌ها از جمله نظام اقتصاد نیز اثرگذارند. در تحلیل نظام‌های اخلاقی نیز بر مباحث پایه و بنیادین آن تمرکز داشتند که در بند بعد توضیح داده خواهد شد.

این اصل در برخورد با شبهات اهمیتی مضاعف می‌یابد. چه بسا پرداختن به شبهات غیرضروری سبب ترویج ناخواسته آنها گردد. بنابراین نخستین اقدام کارشناس تبلیغی باید شناسایی ضریب اهمیت شبهه و به دنبال آن تشخیص میزان اعتنای لازم در تحلیل و پاسخ به آن است. استاد مصباح معتقدند دشمن ما را به شکل غیر مستقیم به اموری مشغول می‌کند که مانع از پرداختن به مسائل اساسی می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص۴۳).



## ۲-۱. شناخت شبهات بنیادین

ممکن است اندیشمندی مسائل اصلی را از فرعی بازشناسایی کند، ولی در بررسی مسائل اصلی، نگاه روبنایی داشته باشد نه نگاه بنیادین. علامه مصباح علاوه بر تمییز مسائل اصلی و فرعی، در ورود به مباحث اصلی نیز توجه خود را بر حل یا نقد مسائلی معطوف می‌کردند که با حل آنها، ده‌ها مسئله دیگر در یک علم یا دانش‌های مرتبط با آن حل می‌شود. آسیبی که شبهات تاریخی، فرهنگی یا اجتماعی به بنیان‌های اعتقادی جامعه وارد می‌کنند، کمتر از آسیب شبهات مبنایی مانند معرفت‌شناسی، وجود و صفات خدا و... است. استاد مصباح مهم‌ترین شبهات را مسائل اعتقادی و اصول می‌دانستند که تا آنها درست نشود، نوبت به شبهات فرعی نمی‌رسد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص۴۴)؛ برای نمونه پس از آنکه در تحلیل علوم انسانی، مباحث فلسفی و معرفت‌شناسی را اصلی می‌دانند، در تحلیل مباحث معرفت‌شناختی نیز سراغ نقاط بنیادین آن می‌روند؛ برای مثال ایشان مباحث ذیل را با اهتمام بیشتری دنبال می‌کردند: نقد نسبیت و شکاکیت؛ اهمیت علم حضوری در حل مسئله واقع‌گرایی و تحلیل عینیت در علوم انسانی؛ تحلیل ارزش شناخت؛ بازگشت علوم حصولی به علوم حضوری (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ج۱، ص۱۷۵)؛ تحلیل نفس الامر (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ص۲۵۳-۲۵۴)؛ معقول ثانی فلسفی و جایگاه آن در

دیگر علوم انسانی (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ص۱۹۸-۲۰۳)؛ پاسخ به شبهه شیطان فریبکار دکارتی؛ وجود محمولی (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ص۲۸۸-۲۸۹) و... . هر یک از موارد فوق سبب تحولات مهمی در دیگر نظریات غربی و علوم انسانی شده است و راه حل‌های ابتکاری علامه مصباح در این مسائل می‌تواند، مسیر علوم انسانی را از نسبیت و ناواقع‌نمایی رهایی بخشد.

همچنین استاد مصباح تفاوت یقین روان‌شناختی و معرفت‌شناختی را به‌درستی درک کرده بود و می‌دانست برای پاسخ به مسائل جدید معرفت‌شناسی باید بر یقین روان‌شناختی تأکید کند. ایشان آگاهانه به بسیاری از مطالب معرفت‌شناسی مانند واقع‌نمایی ادراک حسی اهمیت کمتری دادند.

مسئله روش‌شناسی و میزان اعتبار روش‌های به‌کاررفته در علوم انسانی نیز بارها از سوی استاد مصباح تأکید شد. ایشان نه‌تنها روش عقلی را برتر از روش تجربی معرفی کردند، بلکه وابستگی دیگر روش‌ها به آن را نیز گوشزد می‌کردند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ص۱۰۶-۱۱۳).

تفکیک میان مباحث اصلی و فرعی و مسائل بنیادین از روبنایی در نوع مواجهه با فیلسوفان غرب نیز اثرگذار بود. علامه مصباح یزدی از میان فیلسوفان غرب بر آرای معرفت‌شناختی دکارت، کانت و هیوم (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ج۱، ص۱۹۸ و ج۲، صص۱۶-۱۷، ۲۷-۲۸ و ۵۰-۵۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۱، ص۳۰) تمرکز بیشتری داشتند. در بسیاری از موارد بدون تصریح به نام این افراد، آرای ایشان بررسی و نقادی می‌شد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ص۲۶۰-۲۶۴ و ص۲۸۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ص۳۵-۳۷). این اهتمام به دلیل اهمیت و تأثیر دیدگاه فیلسوفان یادشده در دیگر ساحت‌های علوم انسانی بود. سوبژکتیویسم دکارتی و کانتی رویکرد تفکر غربی را متحول کرد. هیوم نه‌تنها بر کانت اثرگذار بود، بلکه تحلیل وی از رابطه میان دانش و ارزش و ذهنی‌دانستن علّیت، آثار مهمی در بنیادهای علوم انسانی غربی دارد.

علامه مصباح در مباحث هستی‌شناختی، موضوع علیّت در هستی، واقعی یا ذهنی‌بودن علیت، کیفیت ساخت مفهوم علیّت (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، الف، ج۲، صص۱۷-۱۸، ۵۷-۵۸ و ۳۶-۳۷) و نسبت علیّت و رفتارهای اختیاری انسان را از مسائل اثرگذار علوم انسانی می‌شمردند. به همین ترتیب در مسائل انسان‌شناسی موضوع سرشت قدسی، هدف خلقت انسان، سرنوشت انسان، اراده و... را از مهم‌ترین مباحث دانستند که در مقایسه میان مکاتب فکری مختلف مورد نزاع جدی‌اند. اتخاذ موضع در این موضوعات به‌نوعی عامل تمایز تمام مکاتب بوده است. به همین دلیل استاد مصباح به جای گفت‌وگو درباره بسیاری از مسائل غیرضروری علوم انسانی بر تحلیل این مباحث تمرکز می‌کردند.

علامه مصباح در فلسفه اخلاق نیز نقاط کانونی را مد نظر قرار می‌دهند. ایشان به دلیل جایگاه ویژه واقع‌نمایی در گزاره‌های اخلاقی می‌کوشند راه حلی برای آن بیابند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ص۱۱۳-۱۱۴)؛ به همین دلیل بحث معقول ثانی را در موضوع و محمول قضایای اخلاقی و حقوقی برجسته می‌کنند. از دیگر مباحث مهم فلسفه اخلاق، نظریه هیوم در «نفی رابطه میان هست و باید» است. پذیرش این دیدگاه راهی برای مدلل‌کردن عقلانی نظام‌های هنجاری اعم از نظام اخلاقی یا نظام حقوقی باقی نمی‌گذارد. به همین دلیل علامه مصباح می‌کوشند تحلیلی ابتکاری برای پرکردن شکاف بین دانش و ارزش ارائه کنند که رهاورد این تلاش، نظریه ابتکاری «رابطه ضرورت بالقیاس میان هست و باید» است که فاصله ظاهری میان گزاره‌های توصیفی و گزاره‌های هنجاری را مرتفع می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص۵۸-۶۰).

استاد مصباح در نظام‌های حقوقی پرسش از منشأ حق و بحث حقوق طبیعی (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، الف، ج۱، ص۷۹-۸۵) و نیز واقعی یا غیرواقعی‌بودن حق را پرسش بنیادین این دانش دانسته، پس از بررسی دیدگاه حقوق طبیعی و پوزیتیویسم حقوقی، مسئله ماهیت حق را با استناد به هویت معقول ثانی فلسفی تحلیل می‌کنند. علاوه بر این، بحث منابع علم حقوق و سهم وحی در تشخیص حقوق نزد ایشان نقطه عزیمتی برای نگاه انتقادی به حقوق بشر و دیگر نظام‌های حقوقی بشری است. علامه با توجه به ارتباط میان نظام تکوین و تشریع، تنوع حقوق و تکالیف را با توجه به تنوع هستی‌شناختی انسان‌ها توضیح می‌دهند.

در تحلیل نظام‌های سیاسی بر جایگاه دین در حکومت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ص۶۰-۸۰)، نقش نصب الهی در مشروعیت حاکم سیاسی و تحلیل رابطه میان مشروعیت و مقبولیت و تفاوت نظام‌های دموکراتیک بشری با مردم‌سالاری دینی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ص۱۰۴-۱۱۹) تأکید بیشتری داشتند. در علوم اجتماعی، نخستین بحث را درباره هستی‌شناسی جامعه و نحوه تحقق جامعه مستقل از افراد سامان دادند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، الف، ص۹۷-۱۲۴)؛ همچنین تأثیر جامعه بر فرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ص۱۹۵-۲۵۶) و اختیار افراد در برابر هویت جامعه (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ص۱۷۶-۱۸۱) را از مباحث زیربنایی دانستند.

بسیاری از دانش‌های غربی برای نخستین بار و از طریق ترجمه در حوزه‌های علمیه مطرح می‌شد و آثار پرشماری در این زمینه‌ها موجود نبود. به همین دلیل تشخیص مسائل بنیادین این علوم نیاز به فراست خاصی دارد. با وجود این علامه مصباح توانست مبانی را از مسائل روبنایی به‌خوبی تمییز داده، همت اصلی را بر بررسی مباحث بنیادین آن بنهد.

### ۳-۱. نگاه نظام‌وار به علوم انسانی

امتیاز مهم آیت‌الله مصباح یزدی در تحلیل نظریات علوم انسانی، پرهیز از جزءنگری و کشف ارتباط نظام‌وار میان مسائل است. ایشان هر یک از نظریات را مرتبط با مبانی معرفتی آن تحلیل می‌کرد. بر همین اساس ایشان می‌کوشیدند ابتدا جایگاه هر نظریه را در نظام مسائل شناخته، ارتباط آن را با مبانی و دیگر حوزه‌های دانش کشف کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، ص۱۵-۴۰). راهبرد ایشان در اسلامی‌سازی علوم انسانی نیز بر همین اصل استوار است و درنتیجه معتقدند ابتدا باید «مبانی علوم انسانی اسلامی» تولید، سپس مبتنی بر این مبانی، فلسفه علوم انسانی و به دنبال آن فلسفه مضاف به هر یک از علوم انسانی و درنهایت علوم انسانی اسلامی تدوین گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۳۹-۴۱).

این روش منظومه‌وار در نقد و بررسی نظریات غربی نیز آشکار بود. برای مثال در نقد دیدگاه «مشروعیت سیاسی مبتنی بر خواست مردم» که به‌ظاهر بحثی صرفاً سیاسی است، نسبت این مسئله را با مبانی معرفتی آن در دانش سیاست و حتی دیگر دانش‌ها شناسایی می‌کنند. از جمله مبانی این بحث، مسئله «پایه ارزش‌های اخلاقی» در فلسفه اخلاق است؛ چراکه اگر ملاک درستی افعال اخلاقی و ارزش‌گذاری خوب و بد، پسند عمومی یا قرارداد اجتماعی باشد، مشروعیت حاکمیت سیاسی نیز متوقف بر آن است. ایشان نشان می‌دهند مبتنی‌کردن مبنای ارزش‌های اخلاقی بر خواست یا میل و پسند عمومی چه میزان نتایج باطلی به دنبال دارد (مصباح یزدی، بی‌تا، ج۱، ص۲۵-۲۷). با این پاسخ از سویی نظریه «مشروعیت سیاسی مبتنی بر خواست مردم» نقد شده و همزمان می‌توان تمام نظریات مشابه را که به نوعی مبتنی بر قرارداد و پسند عمومی هستند، نیز نقد کرد، اعم از اینکه مرتبط با بحث نظام سیاسی یا دیگر نظام‌های حقوقی و اخلاقی باشد.

مثال دیگر آن است که ایشان بسیاری از نظریات غربی در موضوع سعادت انسان را با مسئله واقع‌نمایی در فلسفه اخلاق مرتبط می‌دانستند. چون دیدگاهی که گزاره‌های اخلاقی را صرفاً بیانگر احساس شخصی، قرارداد اجتماعی و دستور بدون پشتوانه واقعی بداند، سعادت را نیز امری برخاسته از همین امور و آن را غیرمرتبط با واقعیات عینی می‌شمارد و به همین ترتیب تعریف سعادت را قابل تغییر خواهد دانست. این در حالی است که دیدگاه واقع‌گرا سعادت را امری عینی و معلول رفتارهای فردی و اجتماعی تلقی می‌کند. به همین دلیل به جای آنکه فقط تفاوت مکاتب در سعادت بیان شود، ریشه‌هایی را که سبب این تفاوت شده است، نیز بررسی می‌کردند (مصباح

یزدی، ۱۳۸۱، ص۸۱-۸۲).

استاد مصباح مسئله واقع‌گرایی در اخلاق را نیز با مبنای خود در معقولات ثانی فلسفی تبیین و نسبیت‌های اخلاقی را با مبانی معرفت‌شناختی نقد می‌کردند. بدین ترتیب مبنای ایشان در واقع‌نمایی معقول ثانی تا واقع‌گرایی در گزاره‌های اخلاقی و نیز تحلیل سعادت امتداد می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص۸۰-۸۱). بنابراین برای حل مسائل انضمامی علوم، ابتدا مبانی آن را تشخیص داده، پس از ارجاع به مبانی، آن را تحلیل می‌کنند.

## ۴-۱. نگرش ایجابی مولّد

نتیجه نگرش نظام‌وار به علوم انسانی، شکل‌گیری دستگاه فکری مولّد در ذهن مخاطبان است. رویکرد علامه مصباح در نگاه منظومه‌وار به علوم انسانی نیز همین نتیجه را به دنبال داشت؛ به عبارت روشن‌تر ایشان در ضمن بررسی یک نظریه، آن‌چنان ارتباط آن با مبانی و نتایج را بررسی می‌کنند که ارجاع مسائل به مبانی در ذهن مخاطبان ملکه می‌شود و درنتیجه خوانندگان آثار او قادر بر حل مسائل دیگری هستند که تا کنون مستقیماً با آن برخورد نداشتند. رفت و برگشت میان مبانی و بناها در یک نظام فکری، هاضمه فکری افراد را برای دریافت پاسخ از مبانی تمرین می‌دهد.

علامه مصباح یزدی در نقد دیدگاه‌ها به اشکالات نقضی یا روبنایی اکتفا نمی‌کردند، بلکه با نقد مبانی یک نظریه و نشان‌دادن ارتباطات آن، یک شبکه مفهومی را طراحی می‌کردند. حتی در بسیاری موارد بدون تصریح به اصل اشکال یا شبهه یا نام‌بردن از شخص و نظریه، پاسخ آن را در ذهن مخاطبان خود می‌نهادند. این روش در آثار فلسفی ایشان جلوه بیشتری دارد. به همین دلیل است که انس با آرای فلسفی ایشان، قوت نقد دیدگاه‌های دیگر را به دنبال دارد؛ با اینکه در بسیاری از موارد تصریحی به آن دیدگاه‌ها نشده است.

## ۵-۱. مفهوم‌شناسی و تقریر دقیق محل نزاع

آیت‌الله مصباح یزدی ریشه بسیاری از اشکالات فکری را بی‌توجهی به مغالطه اشتراک لفظی می‌دانند. ایشان با توجه به این دغدغه، معمولاً بحث خود را با شمارش معانی مختلف و محتمل از یک اصطلاح آغاز می‌کنند. این روش بخشی از ابهامات و سؤالات را بدون نیاز به مراجعه به ادله حل می‌کرد. از منظر وی، چاره‌سازترین راه برای جلوگیری از سوء برداشت نسبت مفاهیم مبهم، شفاف‌کردن آنهاست (مصباح یزدی، بی‌تا، ج۳، ص۱۶۳). با این روش از همان ابتدا بخشی از

اشکالات و نقدها خارج از محل بحث شناخته شده و مسائل به شکل کوتاه‌تری حل می‌شوند؛ برای مثال ایشان در موارد ذیل توانستند با تبیین محل نزاع، ابهام ناشی از اشتراک لفظی را آشکار و مسیر حل مسئله را هموارتر نمایند:

الف) معانی مختلف مفهوم اصالت و اعتباری در بحث اصالت وجود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج۱، ص۳۳۷-۳۳۸)؛

ب) معانی مختلف اصالت در بحث اصالت فرد یا اجتماع (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، الف، ص۳۳-۴۰)؛

ج) معنای اختیار در مسئله جبر و اختیار (همو، ۱۳۸۶، ص۳۶۸-۳۷۰)؛

د) معانی مختلف مفهوم دین و سیاست در بحث سکولاریزم (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ب، ص۳۱-۳۲)؛

هـ) معنای تساهل و تسامح و نسبت آن با مدارا در اسلام (مصباح یزدی، ۱۳۷۸)؛

و) معنای وحدت در بحث ضرورت وحدت مسلمانان (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ب، ص۳۲-۳۸)؛

ز) تفاوت معنای دیالکتیک توحیدی و جامعه بی‌طبقه توحیدی با توحید اسلامی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج، ص۵۹)؛

ح) معنای مطلق (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج، ص۷۴).

ط) معانی مختلف «احتمال» در بحث احتمال رأی ندادن مجدد مردم به جمهوری اسلامی؛

ی) معانی مختلف تضاد دیالکتیک و نسبت آن با تناقض و عدم و ملکه (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج، ص۱۱۹-۱۲۰)؛ ...

## ۶-۱. نگرش تبارشناختی به تفکر مادی

از جمله ویژگی‌های کم‌نظیر آیت‌الله مصباح آن است که دیدگاه‌های انحرافی را به مثابه یک تفکر جاری در طول تاریخ می‌دیدند که متناسب با فرهنگ‌های مختلف صورت‌بندی تازه یافته است. مهارت یادشده برخاسته از نگرش منظومه‌وار و کلان‌نگر ایشان است و این امکان را فراهم کرده تا روح حاکم بر یک دیدگاه انحرافی را شناسایی و آشکار کنند. ایشان خوانش‌های مختلف یک تفکر باطل در مکاتب مختلف و حتی دوره‌های مختلف تاریخی را چهره‌های یک گفتمان واحد می‌دانند که در زمان‌های مختلف با عبارات متنوع بازگو می‌شود؛ برای نمونه با اینکه ظاهراً

مسئله تجربه‌گرایی و اصالت حس مولود غرب جدید است، ایشان ریشه‌های آن را در گفت‌وگوی پیروان حضرت موسی ﷺ می‌دانند که از خداوند درخواست دیدن مستقیم او را داشتند. علامه بر این باور است که هر دو انحراف مبنای واحدی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، فصل هفتم).

علامه مصباح توانست بر پایه همین رویکرد، روح حاکم بر غرب مدرن را تشخیص دهد. با وجود تنوع اشخاص، مکاتب و نظریات مدرن، ایشان معتقدند مهم‌ترین مؤلفه‌های غرب مدرن اومانیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم، پلورالیسم و در درجه بعد پوزیتیویسم اخلاقی است. این مؤلفه‌ها در عرصه‌های مختلف بروز متناسب یافته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ب، ج۱، ص۲۲۰-۲۲۵). بین این اصول نیز ارتباط مفهومی برقرار است. از سویی اومانیسم ریشه سکولاریزم به شمار می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ب، ج۱، ص۲۲۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ص۱۵۹) و از سوی دیگر پلورالیزم یکی از پیامدهای سکولاریزم است.

همچنین امتداد نظریه تعدد قرائت‌ها و هرمنوتیک فلسفی را تا دوران ظهور دنبال می‌کنند. ایشان احادیثی درباره مخالفت عالمان آن زمان با حضرت مهدی (عج) نقل می‌کنند که مخالفان امام زمان ﷺ برداشت خود را هم‌رتبه تفسیر امام ﷺ می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، فصل هشتم).

نمونه دیگر آنکه استاد مصباح بر این باورند که پایه بسیاری از شبهات و مسائل انحرافی به یک نقطه مرکزی باز می‌گردد که آن هم تردید درباره اعتبار معرفت‌شناختی دین است؛ زیرا مخالفان دین معتقدند مبنای تمام توصیفات دینی عقل یا نقل است و سپس اعتبار هر کدام را به اشکال مختلف مخدوش می‌کنند. بر همین اساس ایشان تبیین مبانی معرفت‌شناختی دین را ضروری‌تر از پاسخ سطحی به شبهات می‌دانستند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳).

نگاه تبارشناختی به تفکر، نوع مواجهه با آن را نیز تغییر می‌دهد. در این نگاه مؤلفه‌های اصلی از مسائل فرعی و پیرامونی تفکر تمییز داده می‌شود. محقق نقاد نیز بر تحلیل همان مؤلفه‌ها متمرکز خواهد شد.

## ۲. قواعد شکلی

### ۲ـ۱. همراهی حداکثری در توصیف دیدگاه‌ها

از جمله اشکالات رایج در نقد دیدگاه مخالف، طرح ناقص یا ضعیف آن است (مغالطه پهلوان

پنبه). علامه مصباح یزدی بر خلاف این روش نادرست، همواره اضلاع مختلف دیدگاه رقیب را به شکل کامل مطرح و گاه با بیان شقوق و احتمالات جدید، آن را تقویت می‌کرد و سپس منصفانه دیدگاه‌های انتقادی خود را ارائه می‌داد. وی در تقریر دیدگاه فیلسوفان غرب، قوی‌ترین تقریرها را انتخاب و آن را نقد می‌کند؛ برای نمونه در معرفی مکاتب اخلاقی، تمام احتمالات مطرح در یک نظریه را گردآوری و یکایک آنها را نقد و بررسی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ب، ص۳۱۷-۳۱۹). همچنین در نقد نظریه حد وسط ارسطو اشکالاتی را طرح و سپس خود به نمایندگی از ارسطو پاسخی به نقد خود داده، در ادامه به اشکال جدیدی می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ب، ص۳۱۷-۳۱۹).

استاد مصباح در مناظره با نمایندگان مارکسیسم نیز تبیین دقیقی از دیالکتیک، تضاد، حرکت و تکامل ارائه می‌دهند. اتقان این توصیف سبب شده است طرفداران مارکسیسم وی را متهم به نقل قول ناقص یا تحریف نکنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج).



## ۲ـ۲. آزاداندیشی و انصاف علمی[۱]

علامه مصباح یزدی با قبیله‌گرایی در مباحث علمی مخالف و مواجهه ایشان با آرای متفکران غربی بر مبنای جست‌وجوی حقیقت است. به همین دلیل برخورد ایشان به مباحث غربی نه از سر شیفتگی است و نه از روی بغض و بدبینی. وی که به عنوان نقاد موشکاف فلسفه غرب شناخته می‌شود، نظریات متفکران غربی را جدی می‌گیرد و همانند آرای فیلسوفان مسلمان به نقاط قوت و ضعف فیلسوفان غربی نیز توجه دارد. او حریم علم و استدلال را پاس داشته، دیدگاه مخالف را با جدیت دنبال می‌کند. انصاف علمی ایشان سبب شده است حتی در الفاظ و عباراتش اثری از احساسات منفی یا مثبت نباشد. او بسیاری از متفکران غربی را قابل توجه می‌داند؛ حتی از نقاط قوت آنان در آثارش استفاده کرده، به آنها می‌پردازد؛ برای نمونه وی تقسیم قضایا به تحلیلی و ترکیبی را از کانت اخذ کرده؛ با این حال نقاط ضعف آن را یادآور می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج۱، ص۱۴۰). ایشان نفی ایدئالیسم و اثبات واقع‌گرایی را ناظر به سخنان برکلی و هگل (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج۱، ص۲۶۴) و بحث بسیار مهم نفس الامر قضایای حقیقیه را ناظر به اشکالات راسل (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج۲، ص۲۸) دنبال می‌کند. استاد مصباح با آگاهی از اشکالات فیلسوفان غربی، در عبور از ذهن به عین، پاسخ قدما در بحث بدیهیات اولیه را کافی نمی‌داند و بر

۱. آزاداندیشی و انصاف علمی از سویی به اصول علمی مرتبط است و از سوی دیگر ذیل اصول اخلاقی می‌گنجد.

همین اساس بازگشت اولیات به علم حضوری را طرح می‌کند که از جهتی مهم‌ترین دیدگاه وی در مباحث معرفت‌شناسی است. آزاداندیشی و انصاف علمی ایشان سبب شده است نسبت به نظریه ابداعی خویش در علم حضوری، شبهاتی را پیش از دیگران مطرح کرده، به آنها پاسخ گویند.

علامه مصباح یزدی نقاط مهم اندیشه سیاسی لاک و هابز را می‌شناخت و در تقریر دیالکتیک با دقت سخن می‌گفت. با وجود مخالفت جدی با نظریات سیاسی جان لاک دیدگاه او را در نقد مفاهیم فطری و سرشتی دکارتی می‌پذیرفت (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج۱، ص۲۲۵-۲۲۶).

روحیه آزاداندیش علامه مصباح سبب شده از بازگویی نقاط ضعف دیدگاه موافقان نیز ابایی نداشته باشد؛ مثلاً با وجود آنکه دیدگاه ارسطو در اخلاق (نظریه حد وسط به عنوان معیار فضیلت) مورد پذیرش اکثر اندیشمندان مسلمان بوده است، استاد مصباح آن را نقد و در عین حال، نقاط مثبت این دیدگاه را بازگو می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ب، ص۳۲۲-۳۲۴). همچنین با وجود اعتراف به قوت دیدگاه ارسطو نظر وی درباره تعریف را نقد می‌کند. او نقدهای جدی بر برخی آرای ملاصدرا، ابن‌سینا و حتی استادش علامه طباطبایی داشت. کتاب مهم **تعلیقه بر نهایة الحکمه** رویکرد انتقادی به سخنان استاد خویش علامه طباطبایی دارد که البته پس از رحلت علامه طباطبایی منتشر شد؛ همچنین دروس اسفار ایشان همراه با نگاه انتقادی به برخی آرای صدرالمتألهین بود. آیت‌الله مصباح با وجود انتساب به جریان فلسفی، هنگام ریشه‌یابی مخالفت برخی فقها و متکلمان با فلسفه، بخشی از تقصیر را متوجه فیلسوفان می‌کند. وی معتقد است سهمی از اتهامات، ناشی از ابهام‌گویی و عبارات دوپهلوی برخی فیلسوفان مسلمان است که بدفهمی را به دنبال داشته است.

## ۳ـ۲. توجه به زمینه‌ها و پیامدهای نظری و رفتاری شبهات

یکی از ابتکارات علامه مصباح توجه به زمینه‌های اجتماعی پیدایش شبهات است. بسیاری از شبهات به‌ظاهر علمی، ریشه در مطامع و اغراض سیاسی-اجتماعی دارند؛ برای نمونه علامه مصباح در تحلیل شبهات حقوق زن، با وجود پاسخ‌های علمی مکرر، این نکته را نیز برجسته کرد که طرح این مباحث در قرن گذشته تنها معلول گفت‌وگوهای علمی نبوده است، بلکه عوامل اجتماعی نیز در ترویج این تفکر نقش داشتند؛ از جمله هوسرانی و شهوت‌طلبی مردان، بهره‌کشی اقتصادی از زنان که حاضر بودند با مزد کمتری کار کنند و تنها لازم بود ایشان را به خانه‌گریزی ترغیب کرد و آرای سیاسی زنان در نظام‌های دموکراتیک (مصباح یزدی، بی‌تا، ج۵، ص۳۳۲-

۳۳۳؛ مصباح یزدی،،۱۳۸۸ ج، ص۱۷۷-۱۷۸).

ایشان پیامد شبهات و نظرات علوم انسانی را نیز تنها در بعد نظری آن دنبال نمی‌کردند؛ چراکه معتقد بودند بسیاری از مسائل نادرست مطرح در علوم انسانی و فلسفه غرب به‌ظاهر مباحث نظری محض‌اند، ولی تأثیرات عینی و عملی در متن جامعه دارند. به همین ترتیب ریشه بسیاری از مفاسد رفتاری، مبانی نادرست معرفتی آن است.

استاد مصباح این ارتباط طرفینی را دریافته، در موارد متعدد آن را یادآور می‌شود. روش ابتکاری استاد مصباح آن بود که در نقد نظریات غربی و علوم انسانی به پیامدهای رفتاری آن نیز توجه می‌کرد؛ از سوی دیگر در بررسی ناهنجاری‌های عملی، ریشه‌های معرفتی آن را واکاوی می‌نمود. از نظر ایشان مسائل رفتاری و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و آنها هم مرتبط با مبانی نظری و معرفتی‌اند. درنتیجه نمی‌توان میان مسائل نظری و رفتاری دیوار یا حایلی کشید (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۳). انحرافات عملی میوه انحرافات فکری است (مصباح یزدی، بی‌تا، ج۳، ص۱۹۲)؛ برای نمونه ایشان نظریه زبان نمادین دین یا هرمنوتیک فلسفی را امری صرفاً نظری نمی‌شمارند، بلکه معتقدند این نظریات سبب بی‌اعتبارشمردن احکام فقهی و درنتیجه سستی انگیزه در تعبد می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، فصل دهم). همچنین ترویج نظریه تساهل اخلاقی را سبب بی‌تفاوتی و سکوت افراد در برابر توهین‌های دینی شمرده (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، فصل دهم ) و تأثیر نظریه پراگماتیسم را که به‌ظاهر مسئله‌ای نظری است، در رفتار برخی مردم یا حتی کارگزاران یادآور می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ب، ص۳۷۷). علامه مصباح معتقد است کمرنگ‌شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر ناشی از ترویج مبانی فلسفه اخلاق غرب در جامعه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ب، ص۴۷۸-۴۸۲). همین امر موجب شده بود استاد مصباح پاسخ به افکار انحرافی را محدود به جلسات نخبگانی و نظری نداند و غالباً در درس‌های اخلاق و جلسات عمومی به نقد افکار انحرافی بپردازد.

## ۲ـ۴. همگانی‌سازی نقد مبانی علوم انسانی

از ویژگی‌های کم‌نظیر استاد مصباح بیان عالمانه و دقیق مطالب فلسفی و معرفتی به زبان ساده بود. ارتباط مستقیم علامه با دانشگاهیان سبب آشنایی بیشتر با نوع نگاه و حساسیت‌های این قشر فرهیخته شده بود. به همین دلیل وی از زبانی مشترک برخوردار بود که ساده‌سازی مفاهیم عمیق فلسفی را ممکن می‌ساخت. همان طور که گذشت، روش ایشان در تحلیل هر بحث، به مبانی و

آغاز نقد از مبانی بود؛ لکن از آنجا که بیشتر مبانی با اصطلاحات فلسفی دشوار همراه است و مخاطبان ایشان گروه‌های مختلف مردم بودند، ایشان مستدل‌ترین پاسخ‌ها را به زبان ساده بیان می‌کردند. این سادگی در بیان به منزله سستی در ادله نبود؛ درنتیجه نه عمومی‌بودن مخاطبان سبب سطحی‌نگری در مباحث می‌شد و نه رویکرد فلسفی و تئوریک مباحث موجب اغلاق مباحث بود.

در این مورد نمونه‌های پرشماری وجود دارد که فقط به عناوین برخی از آنها اشاره می‌کنیم. ایشان مباحث فلسفی و نظری ذیل را در جلسات عمومی و با زبانی ساده بیان می‌کردند:

- بررسی رابطه هست و باید در فلسفه اخلاق و نیز نقد اخلاق کانت (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، الف)؛
- نقد مکاتب اخلاقی غرب (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ب)؛
- پلورالیسم دینی (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، فصل یازدهم)؛
- هرمنوتیک فلسفی (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، فصل دهم)؛
- مبانی فلسفه حقوق جزا (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ب، ص۵۰۵)؛
- رابطه میان حق و تکلیف (مصباح یزدی، ۱۳۹۸)؛
- رابطه میان حق و ملکیت (مصباح یزدی، ۱۳۹۸).

این روش استاد در امتداد اصل چهارم (نگرش ایجابی مولد) بود.

## ۲ـ۵. تنوع در روش‌های نقد

علامه مصباح یزدی با آنکه فیلسوف و مفسری برجسته بود، در نقد دیدگاه‌های غربی و علوم انسانی به روش‌های برهانی و قرآنی اکتفا نمی‌کرد؛ بلکه با توجه به تنوع مخاطب و موضوع مورد بحث، از مجموع روش‌های معرفتی معتبر بهره می‌جست؛ برای نمونه در نقد دیدگاه‌های متفکران غربی از روش‌های برهانی و در پاسخ به شبهات عمومی، علاوه بر مبانی معرفتی، از روش‌های عقلایی و استناد به نتایج کاربردی نیز استفاده می‌کرد. ایشان در نقد دیدگاه لذت‌گرایی در اخلاق از سویی مبانی معرفت‌شناختی آن را نقد کرده؛ از سوی دیگر پیامدهای عملی و مخالفت آن با فهم متعارف از اخلاق را یادآور می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ب، ص۱۲۳-۱۲۵).

همچنین در تبیین بسیاری از مباحث فلسفی ترکیبی از بیان برهانی و اقناعی را در کنار هم به کار می‌برد؛ مثلاً در بحث گریزناپذیری بدیهیات اولیه هم از بیان اقناعی قابل بهره جست و هم مجدانه کوشید روش حلّی برای اثبات واقع‌نمایی آن ارائه کند.

علامه مصباح یزدی در نقد برخی دیدگاه‌ها به ابعاد عینی و کارکردی مسئله نیز توجه داشت؛

برای نمونه در نقد نظریه «شورای رهبری در نظام سیاسی اسلام» به ناکارآمـدی ایـن روش در مقـام عمل استناد می‌کرد؛ همچنین در مباحث حکمت احکـام و نظـام حقـوق زنـان کـه جـای برهـان و استدلال عقلی نیست، تلاش کرد کارکردهای فردی و اجتماعی این قوانین را تبیین کند؛ بـرای مثـال ایشان نشان دادند یکی از حکمت‌های حرمت قذف، صیانت از امنیت روانـی اجتمـاع اسـت و بـه همین دلیل چنین کاری در اسلام حرام شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ب، ص۵۴۱)؛ همچنین در تحلیل چرایی عقد موقت، تعدد زوجات (مصـباح یـزدی، بـی‌تـا، ج۵، ص۳۰۳)، تأدیـب زن هنگـام نشوز (مصباح یزدی، بی‌تا، ج۵، ص۳۲۰) ابتدا تمام شیوه‌های عقلایی ممکن را شمارش کرده و پـس از بررسی گزینه‌های محتمل، اثبات کردند عاقلانه‌ترین روش برای حیات اجتمـاع، راه حـل اسـلام است. ایشان به شیوه‌ای استادانه از کارکردها استفاده می‌کردند که در دام پراگماتیسم گرفتار نشوند.

یکی دیگر از شیوه‌های ایشان تحلیل مسئله به چندین پرسش فرعـی بـود. در ایـن روش ایشـان مستقیماً نقایص دیدگاه مد نظر را بیان نمی‌کردند، بلکه با طرح سـؤالات مختلـف، مخاطـب را بـه تأمل وامی‌داشتند تا خود به تناقض‌های درونی دیدگاه یا مخالفت آن با مبـانی خودآگـاه شـود. ایـن شیوه را می‌توان خوانشی از روش سقراطی در حل مباحث به شمار آورد. علامه مصـباح در مناظره با نمایندگان مارکسیسم از همین شیوه استفاده کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج، ص۴۱-۴۲).

## ۶ـ۲. آغاز گفت‌وگو از نقاط مشترک

از جمله نخستین ضروریات در نقد علمی، یافتن اصول و مبانی مشـترک اسـت کـه بـر پایـه آن بتوان گفت‌وگوی علمی را آغاز کرد. آغاز گفت‌وگو از موارد اختلاف، سبب ایجاد روحیه تقـابلی در طرفین می‌شود. استاد مصباح با وجود تسـلط در نقـد مبـانی، گفـت‌وگـو را از نقـاط مشـترک آغـاز می‌کند؛ برای مثال ایشان در بسیاری از مباحث مرتبط با علـوم انسـانی و افعـال اختیـاری انسـان و حتی مباحث معرفت‌شناسی، بحث را از کمال‌خواهی انسان آغاز می‌کنند کـه امـری مشـترک میـان همه انسان‌هاست؛ همچنین ایشان معتقدند مبنای نظری دیدگاه‌هایی که بـه‌نـوعی اصـل یـا اعتبـار وحی را انکار می‌کنند، با مسئله میزان اعتبار عقل مرتبط است. به همین دلیل لازم است گفت‌وگو با چنین افرادی از این نقطه آغاز شود. ایشان بحث اعتبار دلیل عقلی را نخستین و مبنایی‌تـرین بحـث در دفاع از عقاید دینی می‌شمارند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، فصل هشتم).

### ۲ـ۷. تفکیک میان انگیزه و انگیخته

ارتباط میان انگیزه و انگیخته از مباحث مهم فلسفه علم است. گـاه انگیـزه و انگیختـه از نظـر حقانیت، در یک جهت قرار دارند؛ یعنی سخنی حق با انگیزه هدایت یا سخنی باطل بـا نیـت سـوء بیان می‌شود. دربرابر گاه انگیزه و انگیخته همسنخ نیستند؛ مثلاً سخنی نادرست با نیـت خیـر بیـان می‌شود. از جمله اصول نقد علمی آن است که در ارزیابی یک تفکر به سنجه‌های معرفت‌شـناختی آن تمرکز و میزان مطابقت نظریه با واقع بررسی شود. نمی‌توان انگیزه سوء نظریـه‌پـرداز را دلیـل بـر نادرستی مدعای وی دانست و بر عکس.

علامه مصباح یـزدی در مواجهه با تفکرات انحرافی مرز میان این دو را به دقت رعایت مـی‌کـرد. ایشان در نقد علمی به جای نیت‌خوانی و پرداختن به انگیـزه‌هـا، انگیختـه‌هـا را بـا مـوازین علمـی بررسی می‌کردند؛ برای نمونه با اینکه بسیاری از مورخان فلسفه غرب به‌تفصیل انگیزه‌هـای تـرویج نسبیت و شکاکیت معرفتی را گزارش کردند، استاد مصباح هیچ کدام از اینها را دلیلـی بـر نادرسـتی نظریات ندانسته، صرفاً بر نقـد علمـی دیـدگاه‌هـا متمرکـز شـد (مصـباح یـزدی، ۱۳۷۸، الـف، ج۱، ص۱۶۱). درنتیجه سویه مباحث ایشان اشکالات مبنایی و تناقضات درونی بود.

## ب) اصول اخلاقی

در کنار ویژگی‌های علمی استاد مصباح، نگاه اخلاقی ایشان در مواجهه بـا افکـار مخـالف نیـز شایان توجه است. در این بخش به برخی از این اصول به‌اختصار اشاره می‌شود:

### ۱. پرهیز از تعصب

روش بحث استاد مصـباح بر محوریت استدلال بود. ایشان هیچ دیدگاهی را بدون دلیـل موجـه نمی‌پذیرفتند. علامه مصباح حتی نسبت بـه مشـهورات علمـی نیـز تعصـب نداشـت و بسـیاری از دیدگاه‌های بزرگان اسلام و تشیع را با احترام، نقد علمی می‌کرد. وی در برابر دیدگاه‌هـای مخالفـان نیز برخوردی منصفانه داشت و از بیان نقاط قوت آنان هراسناک نبود. استاد مصباح بر این بـاور بـود که برخورد متعصبانه سبب تشدید عناد معانـدان و روی‌گردانـی انسـان‌هـای حـق طلـب مـی‌شـود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ب، ص۷۱). ایشان با اینکه خود از چهره‌های شناخته‌شـده در فلسـفه بودنـد، تعصب به نفع فلاسفه را تخطئه می‌کردند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص۳۶).

## ۲. بیان نرم و مؤدبانه

علامه مصباح یزدی در تمام گفت‌وگوهایشان حتی بـا طرفـداران مارکسیسـم بیـانی نـرم و مؤدبانـه داشتند. در هیچ یک از آثار خویش از ابزار توهین و درشـت‌گـویی اسـتفاده نکردنـد. طعـن، تحقیـر، سرزنش در سخن او با ملحدان نیز جایی نداشت. با وجود نقدهای جـدی بـه کانـت، هیـوم، لاک و... هیچ گاه زبان به ناسزا و تمسخر نگشودند. ایشان در رهنمودهای خود نیز توصیه می‌کردند با مخالفـان به همان لحن و بیانی سخن بگویید که انتظار دارید با شما سخن گفته شود (مصباح یـزدی، ۱۳۹۱، ب، ص ۶۸). به نظر ایشان در مواردی که بحث علمی است و مخاطب در صدد فهم حقیقت اسـت، بایـد درباره دانشمندان ولو از مخالفان باشند، ادب رعایت شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص۳۸).

## ۳. تواضع

یکی از ویژگی‌های برجسته استاد مصباح تواضع ایشان به‌ویژه در مباحث علمی بود. ایشان چه در مباحث ایجابی و چه در نقد شبهات و دیدگاه‌های مخالف، بنا بر خودنمایی نداشـتند. بـا اینکـه برخی دیدگاه‌های وی چه در تبیین نظریات ایجـابی و چـه در نقـد متفکـران برجسـته غـرب، بـرای نخستین بار مطرح می‌شد، همواره نظرات نوین خود را بی‌نام و نشان و با عنوان «ممکن است کسی چنین بگوید» مطرح می‌کرد.

## ۴. نهراسیدن از سرزنش دشمنان

حرّیت و شجاعت استاد مصباح سبب شد با وجود بهره‌مندی از جایگاه رفیع علمی، اخلاقـی و اجتماعی، هرگز سخن حق را از ترس مخالفت جوّ عمومی، انتقادها و توهین‌ها ترک نکند. ایشان با وجود مخالفت‌های جدی طرفداران دموکراسی غربی، مشروعیت حاکمیت را منحصـراً بـه نصـب الهی می‌دانستند؛ نیز در مقابله با نظریه تساهل و تسامح غربی، با جدیت آن را مخالف غیرت دینی اعلام کردند و از برچسب خشونت‌طلبی نهراسیدند. طرفـداران تسـاهل و تسـامح وی را تئوریسـین خشونت و سخنانش را زهرآگین نامیدند که فتوای ترور صادر می‌کند (آرمین، ۱۳۷۸). گاه این استاد برجسته را «مبلغ تروریسم لخت و عور» خطاب می‌کردند (حجاریان، ۱۳۷۸).

با وجود هیمنه تفکر لیبرال در داخل و خارج کشور، دیدگاه اصیل اسلام و نقدهای منطقی خود به حقوق بشر (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج) و تفکر فمنیستی (مصباح یـزدی، ۱۳۴۳) را به طور صـریح و آشکار ابراز کرد.

## نتیجه

بررسی آثار متعدد علامه مصباح یزدی﵀ نشان می‌دهد از مهم‌ترین دغدغه‌های او حساسیت به شبهات دینی است. ایشان با وجود نگرانی از نفوذ افکار ناخالص در فرهنگ اسلامی نسبت به افکار وارداتی نه از روی شیفتگی برخورد می‌کنند و نه از جایگاه ستیز و سلب کلی؛ بلکه آزاداندیشانه نقاط ضعف و قوت هر کدام را شناسایی میکنند. علامه معتقد است در مواجهه با شبهات باید سراغ مسائل بنیادین و اصلی رفت. در بسیاری موارد پرداختن به مسائل فرعی نه‌تنها سودمند نیست، بلکه زیان‌بار است؛ زیرا باعث غافل‌شدن از مسائل مبنایی‌تر می‌شود. علامه تفکر را به مثابه یک نظام در نظر می‌گیرد و هنگام مواجهه با یک شبهه یا مسئله‌ای جدید از مسائل علوم انسانی ابتدا می‌کوشد جایگاه آن را در این نظام تشخیص دهد. اگر آن مسئله از مسائل مبنایی باشد، به یک شکل با آن برخورد می‌کند و اگر از مسائل روبنایی باشد، به شکلی دیگر. حل شبهات مبنایی در اولویت است. علامه همراه با نقد شبهات، نگرش ایجابی را نیز در ذهن مخاطبان خویش نهادینه می‌کند؛ به شکلی که ذهن ایشان، مولّد شده و قدرت حل مسائل جدید را داشته باشند. علامه بر مفهوم‌شناسی و تقریر محل نزاع تأکید دارد و معتقد است بسیاری از ابهامات با تقریر دقیق محل نزاع مرتفع می‌شود. ویژگی بارز ایشان آزاداندیشی و انصاف علمی است. روحیه آزاداندیش و انصاف علمی او سبب شده است نقاط قوت دیدگاه متفکران غربی را پذیرفته، نقاط ضعف موافقان را نیز آشکارا بازگو کند. او در توصیف دیدگاه اندیشمندان رویکردی همدلانه و از پیش‌داوری و نیت‌خوانی پرهیز داشت. علامه در پاسخ به شبهات به یک روش فکری اکتفا نمیکند و با توجه به موضوع و مخاطب از مجموع روشهای عقلی و نقلی، برهانی و خطابی بهره می‌جوید. علامه به جای توجه به انگیزه‌ها به معیارهای صدق و کذب نظریه و پیامدهای معرفتی و اجتماعی آن توجه دارد.

استاد مصباح واقع‌گرایی و حقیقت‌جویی را جایگزین تعصب ناروا می‌کند و حتی تعصب به آرای فیلسوفان و همفکران را نیز برنمی‌تابد. ایشان همواره با بیانی مودبانه و نرم سخن می‌گویند و در عین حال از سرزنش و توهین دشمنان نمی‌هراسند.

## منابع


۱. آرمین، محسن (۲۶ اسفند ۱۳۷۸). روزنامه فتح.
۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). مبانی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳. حجاریان، سعید (۲۷ مرداد ۱۳۷۸). نشریه عصر ما.
۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸/۳/۱۰). درس اخلاق.
۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۴۳). زن یا نیمی از پیکر اجتماع. مکتب تشیع، ۱۱.
۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳). ترجمه و شرح برهان شفا. تحقیق محسن غرویان، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). دروس فلسفه. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸الف). آموزش فلسفه. ج۱، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸ب). نگاهی گذرا به ولایت فقیه. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹). آذرخشی دیگر از آسمان کربلا. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق. تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). انسان‌شناسی در قرآن. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸الف). نظریه حقوقی اسلام. مجموعه آثار، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸ب). نظریه سیاسی اسلام. مجموعه آثار، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸ج). نگاهی گذرا به حقوق بشر در اسلام. تنظیم و نگارش عبدالحکیم سلیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). درباره پژوهش. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰الف). جامعه و تاریخ در قرآن. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین. ترجمه حسین‌علی عربی و محمدمهدی نادری، چاپ ششم.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). رساترین دادخواهی و روشنگری. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ج). گفتمان روشنگر درباره اندیشه‌های بنیادین. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). رابطه علم و دین. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴الف). حکیمانه‌ترین حکومت. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ب). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳/۷/۱۴). سخنرانی «نگاهی به سیر در شبهات در اعتقادات دینی».
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸/۶/۱۹ج). مناظره با حجت الاسلام حجتی کرمانی.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰/۱۲/۲۴الف). درس اخلاق.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰/۱۰/۷ب). درس اخلاق.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (بی‌تا). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. ج۲، ۳ و۵، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.